

مشکلات سیستم

سرمايه داری

در جوامع سرمايه داری و کاپیتالیزم ، قدرت به دنبال سرمايه می دود و آزادی بمعنی واقعی در پای آنها قربانی می شود .

مشکل بزرگ اجتماعی افزوده می شود ؛ و با سنگینی بیشتری بر جامعه بشری فشار وارد می کند .

چون وقتی که گذشته مالکیت باحجم محدود خود آنهمه گرفتاری برای بشر بوجود آورده باشد بدیهی است که در زندگی صنعتی و ماشینی ، و با پیشرفت تولید و مالکیت حجم این مشکلات به چند برابر می رسد .

این گرفتاریها و مشکلات در عصر نهضت صنعتی اروپا به حد کمال خود رسید و چه رنجها و مصیبتها برای انسانیت که از زیر فشار قرون وسطی بدرآمده

بدون تردید اعتراف نامحدود به مالکیت فردی یکی از عوامل بزرگ گرفتاریها و مشکلات انسان در طول تاریخ بوده است که هیچگاه از مسیر سیستمهای سرمايه داری دور نشده است ، و ناچار هر جا که پای «مالکیت فردی» به طرز نامحدودی در میان بوده است این مشکلات نیز کم و بیش وجود داشته ؛ رویدادهای متعدد تاریخ، جنگها ؛ کشمکشها ؛ خشمها ، خونریزیها ؛ ظلمها و بی عدالتیها همه دلیل همین حقیقتند . ولی با پیشرفت عجیب تولید و توسعه مالکیت و پدید آمدن صنایع سنگین روزبه روز بر حجم این

بود ایجاد نکرد!

فصله طبقاتی :

نخستین ارمنان سیستم سرمایه داری در این عصر، تفاوت فاحشی بود که از لحاظ مالکیت و ثروت در جامعه بود وجود آمد، و جامعه را به دو طبقه (سرمایه دار و زحمتکش) یا «برژوا» و «پرولیتاریا» تقسیم نمود. اقلیتی سرمایه دار و اشرافی در مقابل اکثریتی زحمتکش که فقط به مقدار ضرورت می توانستند مواد زندگی خود را تأمین کنند و با عرق پشانی ما بحتاج نخستین زندگانی خود را فراهم سازند قرار گرفت.

فاصله اجتماعی روز به روز میان این دو قشر اجتماعی بیشتر می شد، و چون برژواها ثروت و امکانات کافی برای تولیدهای اقتصادی سنگین و وسیع در اختیار داشتند سطح سرمایه آنها به طور مداوم بالا میرفت و تقریباً بخش بزرگی از درآمدهای جامعه؛ به جیب این اقلیت اشرافی سرازیر می شد.

احتیاج به توضیح ندارد که در مقابل این اقلیت اشرافی و سرمایه دار، اکثریت مردم که قشر زحمتکش جامعه را تشکیل میدادند به طرز خطرناکی در سراسری فقر و فلاکت قرار میگرفتند و هر چه بر درآمد و امکانات مالی این اقلیت برژوا افزوده میشد کار فقر و پشانی اکثریت زحمتکش نیز بالا می گرفت، و به مصداق حدیث «مالأیت نعمة موفورة الا و بجانبها حق مضیع» (۱) همیشه

این تناسب معکوس میان سطح درآمد این دو قشر اجتماعی برقرار بوده است.

تغز قدرت

اما چنانچه این مشکلات به همین جا ختم میشد باز امید می رفت که بشر بتواند با این سیستم اجتماعی «کجدار و مریز» بسازد بدون آنکه ناچار شود دست به يك سلسله تحولات و انقلابهای اجتماعی بزرگ بزند، و در سایه این نظام به سلامت آمیخته به فقر و پشانی ازندگی کند، ولی متأسفانه گرفتاری هائی که قبول نامحدود مالکیت برای بشر به وجود می آورد از اینها که گفتیم عمیقتر و خطرناکتر است، برای اینکه «ثروت» در جامعه از قدرت، قابل تفکیک نیست، و هر جا که ثروت بیشتر متمرکز شود قدرت نیز خواه ناخواه همانجا متمرکز خواهد شد.

بنابراین اقلیت برژوا به همان اندازه که سرمایه و ثروت می اندوختند قدرت حاکمیت آنها نیز بالایی گرفت.

امروز با همه تحولات بزرگی که در نظام سرمایه داری در تمام دنیا پیش آمده و به اصطلاح به صورت خاصی تعدیل شده است باز این قانون حکم فرماست و در کشورهای بزرگ سرمایه داری قدرت پارلمانی و قانونگذاری دولت و حتی ریاست جمهوری بر محور سرمایه های بزرگ می چرخد! با این بیان، قبول نامحدود مالکیت فردی نه تنها جامعه را به دو بخش اقلیت اشرافی و اکثریت زحمتکش

۱ - هر گاه مردمی بیش از حد معقول از نعمتهای خداداد برخوردار باشند ناچار به حقوق و حدود

دیگران تجاوز شده است (علی علیه السلام)

توضیح این مطالب بسیار ساده است چون اقلیت سرمایه دار در جامعه با داشتن همه گونه قدرت ، به سادگی می توانند از آزادی خود به طور نامحدودی استفاده کنند، ولی اکثریت زحمت کش جامعه که از هیچ گونه قدرت و ثروتی برخوردار نیستند هیچ فرصتی برای بهره برداری از آزادی خود نمی بینند، و ناچار به شرطی که اقلیت سرمایه دار در جامعه بر آنها تکیه می کند تن می دهند.

بنابر این طبقه سرمایه دار در جامعه به موجب همین آزادی حق خواهند داشت که کارگران خود را در تحت هر نوع شرایط سختی که می خواهند قرار دهند و کارگران نیز به موجب همین اصل آزادی حق رد و قبول این تحملها را دارند ولی چه سود که این «آزادی ظاهری» در داینها را درمان نمی کند ، و به حکم ضرورت زندگی ، ناچارند تن به تمام این تحمیلات بدهند، و با درآمد کمی که به آنها داده می شود بسازند، چون بهر حال این درآمد هر چه باشد از هیچ بهتر است .

بنابر این مسئله آزادی در این نظام جز یک چشم انداز موهوم چیز دیگری نمی تواند باشد، و عاقبت در سایه این نظام آنها که از ثروت و قدرت بیشتری برخوردارند - فقط - از آزادی کامل برخوردار خواهند بود، ولی قشر وسیع زحمتکش جامعه عملاً در کار و زندگی خود آزادی و اختیاری ندارند و ناچارند که به هر گونه تحمیلی که بر آنها وارد می شود تن دهند چون آزادی وقتی از قدرت تفکیک شود ، دیگر آزادی نیست، سراسر است موهوم که نباید فریب آنرا خورد.

تقسیم می کند ، بلکه چنانچه این مسأله بصورت دقیق تری بررسی شود باید گفت که مالکیت فردی جامعه را به دو بخش «اقلیت حاکم» و «اکثریت محکوم» تقسیم می کند ، و قدرت را همیشه در يك اقلیت اجتماعی متمرکز و محدود می سازد و قشر وسیع زحمتکش جامعه را محکوم همین اقلیت می نماید.

محدودیت و سلب آزادی:

گرفتاری دیگری که سیستم سرمایه داری و اعتراف به مالکیت فردی نامحدود ، برای بشر به وجود می آورد و تقریباً نتیجه همان مشکلاتی است که در اینجا قبلاً شرح داده شد، محدودیتها و فشارهایی است که بردوش وسیعترین قشر جامعه - زحمتکشا - وارد می کند.

کسانی که از این نظام دفاع میکنند؛ همیشه از حامیان داغ آزادی جامعه بوده اند و آنرا شمار بر نامه کار خود می دانستند؛ و به همین دلیل به نظام سرمایه داری ایمان دارند چون این نظام محدودیتی برای کسی قائل نیست، و به آزادی همه احترام میگذارد، و به همان اندازه که بران آزادی يك سرمایه دار احترام قائل است که بتواند به طور نامحدودی سطح ثروت خود را بالا برد از آزادی يك کارگر زحمت کش نیز ظاهراً حمایت می کند.

ولی اتفاقاً این آزادی همگانی به محدودیت عجیب قشر وسیع زحمتکش جامعه منتهی میشود، و آزادی را به تمام معنی از این طبقه سلب می کند یعنی عملاً فقط همان طبقه برتر و از آزادی برخوردار می شوند.

تعدی به حقوق اکثریت

باید نظر گرفتن مقدماتی که شرح دادیم این مطلب به طریقی طبیعی نتیجه گیری می شود که در يك جامعه سرمایه داری که در آن مالکیت فردی حدود و موازینی ندارد همیشه حقوق اکثریت مورد تعدی و تجاوز اقلیت بر ثروا قرار می گیرد ، و با آنکه همه طبقات مردم از آزادی کاملی در انتخاب کار مورد نظر خود برخوردارند، مع الوصف طبقه زحمتکش که اکثریت جامعه را تشکیل میدهند عملاً ناچارند که در تحت شرایط سختی که بر آنها دیکته می شود تن به کار بدهند، و با مزد ناچیزی سازند و در مقابل فقط طبقه سرمایه دار است که از درآمد سرشاری برخوردارند، این محرومیت و بر خورداری در دو طبقه اقلیت و اکثریت لازمه لاینفک این نظام است ، و ناچار هر جا که نظام سرمایه داری حکومت کند

اقلیتی برخوردار از همه امکانات مالی و اجتماعی و اکثریتی محروم از ضروری ترین مسائل زندگی پیدا می شود و این خود عمیقترین معنی ظلم و تعدی اجتماعی است که در نظام سرمایه داری در قالب آزادی تمبیه شده است، و از این نتیجه گیری به عمق جمله معروفی که از حضرت علی بن ابی طالب (ع) رسیده است میرسیم که «ما رأیت نعمة موفورة الا ببجائنها حق مضیع» !

: «نعمتی سرشار ندیدم که در کنار آن محرومیتها و حق کشیهای نبوده باشد».

این بود اجمالی از مشکلاتی که سیستم سرمایه داری در زمینه مالکیت فردی برای بشر به ارمغان آورده است. اینک بپردازیم به مشکلاتی که کمونیسیم در همین زمینه با آن روبرو میشود .

شرایط يك دوست خوب

امام صادق (ع) می فرماید :

فخستین شرط يك دوست خوب آن است که آشکار و نهان او یکی باشد .

دیگر اینکه زینت تو را زینت خویش و عیب تو را عیب خود بداند .

شرط سوم این است که ثروت و مقام در دوستی او اثر نگذارد !

چهارم اینکه آنچه در قدرت او است از تو مضایقه نکند .

پنجم - که از همه مهمتر است - اینکه به هنگامی که دنیا به تو پشت کند

تو را در برابر حوادث تنها نگذارد !

(از کتاب بحار الانوار)